

فساد و بد حجابی کودتائی خرنده علیه انقلاب اسلامی

با آغاز بهار و فصل گرما، همه ساله عنوان ساختن موسمی مبارزه با فساد و مظاهر آن از جمله بدحجابی، در سخنرانیها و خطابه‌ها و نوشته‌ها و از سوی نهادهای قضائی و انتظامی، بعد جدیدی می‌گیرد و بدون اینکه کاری اصولی صورت پذیرد پس از چندی موج آن به سلامت می‌گذرد! طرح مسأله از سوی هر کس و هر نهادی باشد هم یک وظیفه است و هم ناشی از احساس مسئولیت و عرق مذهبی و سوز انقلابی و در این، جای گفتگو نیست. آنچه جای بحث است این است که برای حل این مشکل (همانند دیگر مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی، چون تورم، گرانی‌فروشی، احتکار، بازار سیاه، چندنرخ‌ی و سوء استفاده‌ها و نابسامانیهای آشکار اداری و...) تا کنون بیش از آنچه طبع انقلاب و شور عمومی و فضای اسلامی ایجاب می‌کرده و مظاهر فساد را تا حدود زیادی محدود و منزوی ساخته است، نه طرح قابل توجیهی داشته ایم و نه در اجرا، توفیقی اصولی و محسوس کسب کرده‌ایم و بالاخره از حرف، تجاوز نکرده‌ایم و افراد یا شبکه‌های مسأله‌آفرین و مروج فساد هم تقریباً آسوده خاطر شده و در برابر موج تبلیغات موسمی ما مصونیت پیدا کرده‌اند.

سؤال این است که چرا پس از ده سال که از انقلاب و استقرار نظام اسلامی می‌گذرد ما نتوانسته‌ایم بر امواج لجام‌گسیخته فساد فائق آئیم و سردمداران فساد را - که همان عمال استکبار جهانی هستند و دست‌اندرکار کودتائی خرنده علیه ارزشهای اسلامی و انقلابی می‌باشند - مایوس نمائیم؟! حال

اینکه موج فساد آقدر گسترش یافته که حتی دامن بسیاری از نوجوانان و دانش‌آموزان مدارس را گرفته است. و اگر وضع بدین منوال پیش رود در آینده‌ای نه چندان دور، پشتوانه انقلاب که روح مذهبی و اخلاقی است در روح جوانان به ضعف گرائیده و زمینه نفوذ و سلطه دشمنان را فراهم می‌سازد.

* ضرورت ریشه‌یابی مسأله

در این مسأله مانند هر مسأله دیگری نباید به جستجوی علل و عوامل پرداخت، که بدون شناخت آنها راه‌جویی مفهوم ندارد. گرچه ریشه‌یابی مسأله فساد و ابعاد آن مجالس گسترده و تحقیقات وسیع تری را می‌طلبد که در مقالات اجتماعی باید بدان پرداخت، اما در این مقال به بررسی از علل و ریشه‌ها بطور گذرا و سطحی نظر می‌کنیم و صاحب‌نظران را به ارائه راه‌حل‌های لازم دعوت می‌کنیم و در خلال بحث دیدگاه‌های خود را به طور اجمال یادآور می‌شویم:

نوطه‌های دشمنان اسلام

۱- کینه‌ها و نوطه‌های دشمنان اسلام، بویژه صلیبی‌ها و صهیونیستها که از دبر باز اسلام را مورد تهاجم قرار داده‌اند و هر وسیله و ترفند ممکن از جمله ترویج فساد و اشاعه منکرات و ایجاد زلزل در معتقدات و اهانت به مقدسات را به کمک می‌گیرند. تاریخ اسلام از این صحنه‌های تلخ بسیار دارد. برای نمونه ماجرای اندلس (اسپانیا) را می‌توان به

یاد آورد. هنگامی که مسلمانان نتوانستند از تنگه جبل الطارق عبور کرده و با پشت سر نهادن دریا، دروازه اروپا را بگشایند و تمدن اسلامی را در آن سرزمین بنیان نهند و سپاه رحمت اسلام را بر سر میلیونها انسان بگسترانند، نوطه‌های گوناگون صلیبی‌ها بالاخره در بعد اخلاقی و فرهنگی فائق آمد و قدرت و صولت مسلمین را درهم شکست و فاجعه دردناک سقوط اندلس اسلامی را بدنبال آورد و سرآغاز جنگهای صلیبی و قتل‌عام‌های وحشیانه مسلمانان بدمت صلیبیان گردید.

نوطه‌های صلیبی‌های مسیحی در این ماجرای اسفبار جز ترویج فساد نبود که در چارچوب آزادی‌های لجام‌گسیخته، مشروبات الکلی، آمیزش پسران و دختران و ترویج فرهنگ مسیحی به اجرا در آمد...

نفوذ فرهنگ و اخلاق مستبد غربی در جوامع اسلامی طی قرن اخیر و مسأله کشف حجاب در کشورهای اسلامی و ترویج موارد دیگر فساد صادراتی از غرب در همین راستا شکل گرفت که نمونه آن را در ایران عصر ستم‌شاهی دیدیم و در کشورهای اسلامی دیگر نیز بدون استثناء ادامه آن جریان را مشاهده می‌کنیم.

با پیروزی انقلاب اسلامی و غلبه فرهنگ اسلام بر فرهنگ استعماری، در شعاع تب و تاب انقلاب، یورش بی‌امان علیه مظاهر فساد آغاز گردید و دژهای آن یکی پس از دیگری فرو ریخت و دگرگونی بنیادین در همه ارزش‌ها پدید آمد که این را در کنار همه مشکلات طبیعی و مصنوعی موجود، می‌بایست

از موفقیت‌های چشمگیر و بسیار مهم انقلاب تلقی کرد و سنت و سیره و اخلاق و شعارات اسلامی جایگزین ارزشهای منحط طاغوتی گردید و در این واقعیت جای گفتگو نیست... اما هرگز نباید پنداشت ماجرای جنگ فرهنگ و اخلاق پایان یافته که به اعتقاد ما در فضای کنونی جامعه و جهان، تازه اول راه است و درست در همین لحظات است که سنگربندی‌های جدیدی شروع می‌گردد و دشمن با تجدید قوا در مقام هجوم دیگری است و ما باید برای مقابله با این حمله آماده باشیم.

ساده‌اندیشی است اگر تصور کنیم مسأله ترویج فساد و لایبالی‌گری مشتی زنان و مردان تنها از لایبالی و سنت اعتقادی و رسوبات فرهنگ طاغوتی ناشی می‌گردد و در این بی‌حرمتی به ارزشها و اخلاق اجتماعی، تذکرات و هشدارها و تهدیدهای ما را هم به چیزی نمی‌گیرند. شک نیست که این عامل نیز مهم است و جداگانه از آن بحث خواهیم کرد، اما در کنار این عامل، از عوامل مهمتری که همان توطئه استکباری است نباید غفلت ورزید. استعمار پیر از تجارب مکرری که روی جوامع اسلامی و کشورهای تحت سلطه بطور عموم داشته، این درس را آموخته است که هرگاه در صحنه سیاسی نظامی شکست خورد حمله‌ای دیگر از دیگر جبهه آغاز کند. یعنی از ناحیه فرهنگ و اخلاق، بدینگونه که تدریجاً مغزها را خالی کند عقائد را متزلزل و روحیه‌ها را ست نماید و اخلاق را به ابتذال بکشانند.

این توطئه از حمله نظامی عمیق‌تر و دیرپای‌تر و خطرناکتر است. زیرا حمله نظامی صلابت و مقاومت ملت را تحت هر عنوانی عملی یا دینی-برمی‌انگیزد و به عکس‌العمل وامی‌دارد، اما توطئه اخلاقی و فرهنگی انسانها را تدریجاً از درون می‌پوساند و بدون اینکه خود متوجه باشند به اضمحلال و نابودی می‌کشاند.

استراتژی سیاست استکباری درهم شکننده عنصر اخلاق و اعتقاد یعنی نقطه اصلی اتکای انقلاب است بی‌شک ترویج فساد و منکرات امروزه از سوی دشمنان خارجی هدایت و حمایت می‌شود و بدست عناصر فاسد و مغرض یا ناآگاه داخلی به اجزا در می‌آید. حرکت‌های هماهنگ مجریان

فساد، باندهای مواد مخدر، شبکه‌های فحشاء، ابتذال در لباس و پانکیسم و امثال آن، پارتی‌های مخفی، توسعه کاست و ویدئو با ترانه‌های مبتذل و فیلم‌های خلاف عفت، نشانگر آن است که سازماندهی دقیقی در این پیکار از سوی دشمنان در پشت پرده است که موارد مشکوفه نیز دلیل دیگری بر این مدعاست... و سرانجام شناخت این توطئه‌ها و راه مقابله با آنها و بستن سدهای نفوذ و تغذیه صحیح فکری جوانان شرط پیروزی در این نبرد است.

تأثیر سوء عناصر فاسد

۲- عامل دیگر، عناصر فاسد و بی‌اعتقاد، مرفهان بی‌درد، پس مانده‌های رژیم پیشین و برخی گروهکهای ورشکسته‌اند که در گذشته به لذت و شهوت خو کرده و امروزه آن امکان را ندارند و اکثراً تغییر ماهیت نداده و در پی فرصتی برای خودنمایی و اعمال خواسته‌های نفسانی می‌باشند.

این عناصر برای لحام گسختگی خود و نیز تولید و تکثیر مثل، سعی بر آن دارند که دیگران را نیز در جرگه فساد خود بکشانند و روی اینکار به کمک نیروهای خارجی سرمایه‌گذاری می‌کنند و بیش از هر کس جوانان و دانش‌آموزان پسر و دختر را مطمح نظر دارند که نمونه‌هایی از آن بصورت گروهی در مدارس کشف شده است.

اینان اگر آزاد باشند حد و مرزی نمی‌شناسند و به هیچ اصل اخلاقی و وجدانی پایبند نیستند و به نظام اسلامی اعتقاد ندارند و با تظاهر به فسق و گناه و زست‌ها و لباس‌ها و آرایش‌های جلف دهن کجی خود را نسبت به نظام به رخ می‌کشند که کنترل و نظارت دقیق و برخورد قاطع و جدی با اینان تنها راه چاره است.

فصول در امور فرهنگی

۳- نبودن کار فرهنگی حساب شده کافی در جهت توجه افراد بی‌تمهید و ناآگاه و هدایت نسل جوان خارج خط و جذب آنان به اسلام و انقلاب. در این بعد قضیه باید اعتراف کرد، در برابر برنامه‌های تبلیغاتی گمراه‌کننده دشمنان،

برنامه‌های خشک و تکراری ما در امر تبلیغ، نتوانسته دل‌های این فشر را تحت نفوذ درآورد و آنان که اساساً گوش خود را بدهکار سخنرانی‌ها و ارشادات و نوشته‌ها و مقالات ما نمی‌دانند از ما بریده‌اند و ما از آنان بریده‌ایم و ما هر چه می‌گوییم برای یکدیگر بازگو و تکرار می‌کنیم و از اصول روانشناسی آموزشی و تبلیغی گروه‌های سنی و تنوع جونی نسل جوان و نقش هنر و شیوه نگارش و تأثیر فیلم و نمایش و سایر شیوه‌های تبلیغی و آموزشی عصر، غفلت داریم و اشتباه این است که فکر می‌کنیم آنها همان احساس و گرایش را دارند که ما داریم و به انتظار نشسته‌ایم تا ما بگوئیم و آنها عمل کنند! تأسف‌بار اینکه عدم جاذبه در تبلیغات ما نه تنها نتوانسته قشریاد شده را جذب کند بلکه غالباً خصالت جذب و هدایت عناصر خودی را نیز فاقد بوده است. یعنی روح‌های نوگرایی مذهبی نیز به تبلیغات ما جذب و دلگرم نیستند. در حالیکه امروزه کلیه امکانات آموزشی و تبلیغی و رسانه‌ها و مطبوعات و پشتوانه‌های مادی و معنوی در اختیار ماست و ما شیوه استفاده درست آنرا نمی‌دانیم و کمتر در پی فراگیری آن هستیم. و عناصر مرموزی نیز هستند که از همین امکانات در جهت منفی کمک گرفته و غیر مستقیم در ترویج افکار و رفتار ضد اخلاق و اعتقاد می‌کوشند.

در همین مسأله حجاب که به عنوان شاخص از آن یاد می‌شود، آیا چند برنامه تلویزیونی با مند تبلیغی نوین داشته‌ایم؟ آیا اصولاً مسأله حجاب بصورت مستدل و توجیهی در چارچوب شرعی مطرح گردیده تا دیگران بدانند حجاب اسلامی چیست؟ و محدوده آن کدام است؟ و دیدگاه اسلام در آرایش‌ها و رفتارهای جلف و زننده و مسائل دیگر از چه قرار است؟ آیا یک فیلم که با شیوه تخصصی و هنری بازگو کننده ارزشهای اخلاقی بانوان و دختران باشد و بر محور حجاب و منانت زن دورزند تهیه کرده‌ایم؟ دیگر تبلیغات سخنرانیهای مذهبی و درس و بحث‌ها چقدر جا افتاده است؟ آیا بیلان گرفته‌ایم که چقدر شنونده داشته‌ایم و از چه قشری بوده‌اند؟ بر عکس، آیا فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی

تولیدات داخلی و صادراتی خارجی از زنان مکشفه یا بدحجاب و آرایش های تند و لباسهای جلف و زُست های طاغوتی آنان چه تصویری داشته اند؟ برخوردهای آنان در این فیلم ها با مردان چگونه بوده است؟ در این فیلم ها و همچنین در جلسات و جشن های نیمه طاغوتی دورین روی چهره کدامین دسته از زنان توقف کرده و آنها را آگرانديسمان کرده است؟ آیا اینها اتفاقی است و یا از یک نوع تفکر و حرکت مرموز که بر چنین فضائی سایه افکن است، حکایت دارد؟ و آیا...

در نگرش یک بعدی تنها بهانه این است که نگاه به این مناظر چون ناشناس اند اشکالی ندارد اما از تأثیر روانی و طبیعی و اخلاقی این مناظر روی جوانان حتی بچه های جیبه ها و پادگانها غفلت ورزیده ایم... راستی اگر بناست بصورت عمقی در القای اندیشه و اخلاق اسلامی کاری صورت پذیرد، باید نهادهای تبلیغی و آموزشی از کودکانها گرفته تا دانشگاه و از مطبوعات و نشریات تا صداوسیما و دیگر نهادهای ارشادی و تبلیغی برای این ضرورت طرحی منطقی و عملی بیندیشند که فاجعه سرخوردگی نسل جوان و بی خبری آنان از اسلام و اخلاق اسلامی آینده تاریکی را نوید می دهد و درست در همین لحظات است که باید وارد میدان عمل شد چرا که هنوز زمینه ها منتفی نشده و شعار انقلابی باقی است و نیروهای مؤمن بسیارند و انتظار نیز فراوان.

احیای ضد ارزشها

۱- احیای ضد ارزشها، از دیگر علل فساد است که بدست عوامل مرموز در دستگاههای کنونی به اجرا در می آید. این عوامل که مانند جن و پری همه جا حضور دارند و با زرنگی و تردستی نفوذ می کنند و هر جا بتوانند نقش بازی می کنند با شیوه های نامرئی و طرّامی شده می کوشند ارزشهای منسوخ طاغوت را احیا کنند. برای مثال پاره ای از مجلات و نشریه ها عرصه گاه چنین فعالیتها می هستند. با یک نگرش سطحی به صفحات پاره ای مجلات ادبی، ورزشی، هنری و... که اخیراً دست و بالی

گشوده اند، مشخص می گردد که چه قلم های مسمومی در کار تضعیف عقائد، ترویج فساد و نشر ابتذال اخلاقی هستند، چگونه می نویسند و حاشیه می زنند و رنگین نامه ها را از تصویر هنر پیشه های عصر طاغوت و علائم تراه و تغنی زینت می بخشند! و در کنار اینگونه نشریات، در مبادین پرجمعیت شهر عکس های هنر پیشه های طاغوتی و نوارهایشان بفروش می رسد و شگفت اینکه مسئولین کنترل و نظارت بر مطبوعات و تبلیغات کمتر احساس مسئولیت می کنند و برخورد جدی ندارند.

بر نهادهای فرهنگی و ارشادی است که به عنوان مسئول فرهنگ عمومی جامعه نقش ارشادی اسلامی را ایفا نموده و با سپردن کار نظارت به افراد با تعهد و دلسوز، مطبوعات و فیلم ها و نوارها را به کنترل گرفته و اجازه ندهند افراد بیمار و فاسد با ارزشها بازی کنند.

بحرانهای اقتصادی

۵- بحرانهای اقتصادی، تورم، گرانی، احتکار و سوء استفاده ها که اگر از عوامل مستقیم نباشند اما بدون تردید زمینه را برای فعالیت های عناصر فسادپرو، فراهم می سازند.

این بحرانها از یک سو افرادی را که گرفتار کمبودهایی در زندگی هستند و پشتوانه اعتقادی درستی ندارند به شبکه های فساد و افراد فرست طلبند پیوند می دهد و مستقیم یا غیرمستقیم بصورت آلتی در اجرای مقاصد آنان در می آورد. بدون شک عقده ها، محرومیت ها، نیازها، نه تنها زمینه فساد است بلکه گذرگاه کفر است «کادالفران بکون کفر» بدون تردید همانگونه که رفاه زدگی برای عده ای عامل فساد است، فقر و تنگدستی برای عده دیگر زمینه است. خانه های محقر و محله های پرجمعیت و اصطکاک پسر و دختر همراه با ضعف های اعتقادی و فرهنگی و مشکل ازدواج و مسکن و کم درآمدی را کنار یکدیگر بگذاریم آنگاه به ارزیابی بنشینیم که امیال غریزی و عوامل بیرونی چگونه زهر خود را بر روح جوانان می پاشد؟

و از سوی دیگر، بحرانهای اقتصادی دلگرمی و امید مردم را پژمرده می کند و فشارهای وارده بر قشر کم درآمد عقده های روانی ایجاد نموده و آنان را به

واکنش و امی دارد و بدست مرفهان نیز بهانه و سوژه می دهد. ما هراندازه بخواهیم روی معنویات تکیه کنیم - که تکیه گاه اصلی واقعاً همین هاست. اما مسائل مادی را نمی توان ساده انگاشت. همه مردم دارای آن روح گذشت و ایثار و صبر نیستند که همه چیز را به حساب اسلام و انقلاب بر خود هموار کنند. مگر در روایات نیامده: «هر کس معاش ندارد معاد ندارد» - من لامعاش له لامعاد له.

بنابراین طبیعی است که فشارهای اقتصادی، گرانی، عدم توان کنترل و نظارت مسئولان امور یا تساهل در این امر حیاتی تدریجاً اعتماد مردم را سلب می کنند و در توان مدیریت ها به شک می افکند و اگر نه همه بلکه بسیاری نسبت به موازین اخلاقی نیز بی اعتماد می گردند و به دهن کجی و امی دارد و در پاسخ دعوت به عفاف و تقوی واکنش منفی نشان می دهند که عملاً دیده شده برخوردهای عده ای از همین متظاهران به فسق و فساد با دعوتگران چگونه بوده است.

خلاصه آنکه تا مشکلات جامعه در بعد اقتصادی به ویژه نیازهای روزمره بگونه ای مطلوب حل نشود توفیق یافتن کامل در امر مبارزه با فساد و منکرات از شان کمتری برخوردار خواهد بود. باید قدرت اسلام و مدیریت در دو بعد مادی و معنوی جامعه به نمایش نهاده شود و این دو از هم جدا نباشند. اگر مدیران و دست اندرکاران امور بر بحرانهای طبیعی و مصنوعی اقتصادی حداقل در مورد نیازهای اولیه مردم فائق آیند می توانند انتظار خود را در همکاری مردمی جهت ریشه کن ساختن فساد مقرون به موفقیت تلقی کنند.

بیاد داشته باشیم که انقلاب ما با مشارکت مردم پا گرفت و اطاعت بی چون و چرای مردم از مقام معظم رهبری بود که همه دسیسه ها را نقش بر آب کرد. در این مرحله نیز به مردم و مشارکت آنان نیاز مبرم است و بدون همکاری آنان فساد ریشه کن نخواهد شد. باید جهت اجرای طرحهای اصلاحی از بسیج مردمی استفاده کرد همانگونه که در جنگ از بسیج مردمی استفاده شد. بنابراین همانگونه که رهبر بزرگ انقلاب اسلامی همواره تأکید فرموده اند باید مردم را ارج نهاد و به مشکلات قشر مستضعف توجه

کرد و این به تلاش مسئولین کشوری بستگی دارد نه حرف و وعده که اگر با عمل توأم نبود اعتبار خود را از دست می دهد و آنگاه احساس می کنیم که مردم بی تفاوت شده و شور و علاقه خویش را از دست می دهند و ما تنها می مانیم و در هیچ زمینه ای کسب توفیق نمی کنیم.

فساد اداری

۶- عناصر نامالح در تشکیلات اداری، مبارزه با فساد باید از سطح مدیریت کشور آغاز شود و آنگاه به دایره اجتماع بیاید وقتی می گوئیم مدیریت، ده ها هزار عناصری را که بر مقدرات اجتماعی حاکم اند با نظارت دارند در سطوح مختلف برنامه ریزی، تصمیم گیری و قضا و اجراء شامل می گردد. بی شک در دستگاهها و نهادهای کشوری در کنار افراد مؤمن و صالح افراد مغرض، جاهل یا فاسد کم نیستند که یا عامل اجرای طرحهای زیر پرده دشمنانند و یا دستخوش فساد اخلاق و کجروی ها، اینان بزرگترین عامل جهت آسیب پذیر ساختن جامعه و ذهن کجی و سلب اعتماد آنان نسبت به مدیریت کشور و دیگر سمبل ها می شوند. مردم انتظار دارند مبارزه با فساد، گرانی، نرخ گذاری و اتخاذ شیوه های حسنه در برخوردها و مدارای با مردم و پرهیز از تحمیل و فشار و تجمل و رفاه زدگی از درون دستگاههای اداری و برنامه ریزی و تصمیم گیری آغاز گردد.

با اعتراف به اینکه افراد مؤمن و خدوم بسیاری در ادارات و سازمانهای دولتی خدمت می کنند و آنان را ارج می نهم، تحقیقاً عده ای از مردان با زنان که صحبت از فساد یا بدحجابی آنهاست در درون همین سازمانها و ادارات دولتی هستند و بیشتر از همه جا در صداوسیما،

اینجا گرچه در محیط کار چهره عوض می کنند، زُست عصر و شب خیابانی آنها با تیپ لباس کارشان تفاوت دارد. اگر اینها با اطلاعات و تحقیقات شناخته شوند و تنبیه شوند و یا از محیط کار اخراج گردند هشدار برای دیگران خواهد بود و چاره ای جز این نیست. برای مردم فداکار و رنج کشیده و شهید داده ما غیر قابل تحمل است ببینند دسترنج و خون دل اینان به پای این عناصر فرصت طلب و بی بندوبار قربانی می شود و با پول و حقوقی که آنها می پردازند افراد ضد انقلاب و بی تعهد خوشگذرانی و بوالهوسی می کنند.

موارد دیگر فساد و تبعیض را نیز کم و بیش در ارگاتها و نهادهای دولتی می توان مشاهده کرد پرونده های بازسازی اداری نشان می دهد که اکثریت محکومین، به مواد مخدر آلودگی دارند یا کم کاری یا فساد اخلاق و پاکسازی اینان از ضرورت های شرایط کنونی است. موارد دیگر از کم کاری، بدرفتاری با مردم، انقلابی نمائی کاذب، تبعیض و سوء استفاده از امکانات دولتی و گاهی حیف و میل ها و اسرافکاریها حتی بصورت ضیافت و مهمانی و افطاری! و توزیع اتومبیل و رشوه و رابطه بازی و غیره را می توان دید که شرح آن را به مجالی دیگر موکول می کنم. اینهاست که از مدیریت سلب اعتماد می کند و سخن ها را بی اثر می سازد و باید با این موارد بطور انقلابی و قاطع برخورد شود.

و آخرین سخن اینکه:

باسداری از ارزشهای اخلاقی جوهره اسلام و ضامن بقای انقلاب اسلامی است. پیامبر اکرم فرمودند: «بعثت لائتم مکارم الاخلاق» و مبارزه با فساد در همه ابعاد کلمه ملازم با ارزش های اخلاقی. و امروز رسالت و مسئولیت ما این است که این ارزش را پاس داریم و با عوامل فساد نبرد بی امان داشته باشیم. اقا شرط توفیق در این امر شناخت عوامل، راه حل ها و شیوه عمل و زمینه هاست که به همه نهادهای بنیادین (قانونگذاری، قضائی و اجرایی) وابسته و مشارکت مردم را می طلبد. بنابراین همانگونه که اخیراً از سوی مسئولین امور کشوری اعلام گردید و طرح مبارزه با فساد، تورم و نابسامانیهای اداری عنوان شده نباید این مسائل را از یکدیگر جدا دانست و عواملی را نیز که در طی مقال آوردیم نباید از نظر دور داشت.

اگر در فضای کنونی که تب و تاب انقلاب فرو نمرده و فرزندان دست اول انقلاب و جوانان جبهه دیده حضور دارند پایه اخلاق را استوار نکنیم و در برابر موج فساد برای مقابله کمر همت نهندیم فردا دیگر فرصتی باقی نمی ماند و ارزش های اصیل اسلامی به فراموشی سپرده می شود و ضد ارزشها جایگزین می گردد و همه چیز بر باد می رود و اینک ما و رسالت اسلامی و انقلابی هان.

ادامه دارد

متأسفانه در مجله شماره ۸۷، صفحه ۴۵، ستون اول سطر ۳۶ اشتباه چاپی رخ داده است و بجای «شکجه های مخفی»، شکجه های مخفی چاپ شده که ضمن پوزش از خوانندگان عزیز و نویسنده محترم مقاله این کلمه تصحیح می شود. ضمناً از سیاق کلمات و جمله های قبل و بعد، مشخص می شود که «شکجه های مخفی» نامربوط و اشتباه است.

زبان شهوترانی

«مَنْ أَطَاعَ نَفْسَهُ فِي شَهَوَاتِهَا فَقَدْ آعَانَهَا عَلَى هَلَكِهَا».

(غرر الحکم - صفحه ۶۸۳)

آنکس که نفس خود را در شهوات ناروایش اطاعت نماید عملاً به تباهی و هلاکت خویش کمک کرده است.

۵- امیر المؤمنین (ع):